

خلاصه وجه سوم برای اثبات مال مستقل بودن اوراق نقدیه (علاوه بر دلیل اصلی که قبلاً به آن اشاره شد)، این بود که عرف عام با این اوراق، معامله مال مستقل کرده و احکام مال مستقل را بر آنها بار می کند. این وجه در کلمات بعضی الاعلام در مقاله ضمان انخفاض قیمت پول (در کتاب قراءات فقهیه معاصره^۱) به عنوان اینکه از نظر قانونی با پولها معامله مال مستقل می کنند و احکام مال مستقل را بار می کنند، مطرح شده ولی این تعبیر باید اصلاح شود، چون اینکه از نظر قانونی معامله مال مستقل بشود اما عرف عام عقلاء اینگونه عمل نکنند فائده ندارد لذا تعبیر را عوض می کنیم و وجه سوم را به این عنوان مطرح کردیم که عرف عام عقلاء احکام مال مستقل را بر پولها بار می کنند، و در قسمت احکام به چهار حکم برای اثبات مدعا استشهاد نمودیم.

وجه چهارم اثبات مال مستقل بودن اوراق نقدیه

اسکناس هایی که به عنوان پول رایج کشور نشر می شود مقطعی هستند نه دائمی، یعنی در زمانی چاپ می شود و در زمانی دولت و جهت مصدرة، تصمیم می گیرد که آنها را تعویض با اسکناس های دیگر کند، به طوری که دیگر اسکناسهای قبلی مورد تبادل قرار نگیرد. در این موارد که اسکناس قبلی از اعتبار می افتد، اسکناس هایی که دست افراد است قبل از الغاء اعتبار، چنین نیست که بالمره الغاء شود و کلاً نتوانند از آن اسکناس ها استفاده کنند، بلکه دولت مدتی را برای صاحبان اسکناس قبلی تعیین می کند که تا این مدت می توانند اسکناس ها را تحویل دهند و اسکناس جدید بگیرند، و بعد از این که مدت تمام شد، اسکناس های سابق اعتبار ندارند و نمیتواند وسیله تبادل کالاها قرار گیرد و دولت هم مسئولیتی ندارد.

به این خصوصیت (که اسکناس ها الغاء می شود و در وقت الغاء مهلتی داده می شود) استشهاد می شود که خود این اوراق، مال مستقل هستند نه این که سند باشند. (هرچند همین حیثیت به یک تقریب برای قول به سندیت هم قابل استدلال است کما سیاتی، اما) تقریب این حیثیت برای اثبات مال مستقل بودن این است که اگر اسکناس مجرد سند بود و ذمه‌ی جهت مصدرة به مابازاء این پول مشغول بود، معنی ندارد مدیون سندی را که قبلاً بابت دین در اختیار شخص گذاشته، بگوید سند را عوض می کنم و فقط اگر تا مدت

^۱ - قراءات فقهیه معاصره ج ۲ ص ۱۷۷

خاصی آن را بیاوری قبول است ، والا نسبت به طلب شما مسئولیتی نداریم. اگر اسکناس، سند بود معنی ندارد که جهت مصدره تقیید کند که آوردن سند، فقط تا زمان خاصی فائده دارد.

اشکال

این که برای اسکناس های سابق زمان تعیین می کنند، دلالت بر مال مستقل بودن ندارد؛ چون در مورد سندها هم الغاء اعتبار تا زمان خاص معنی دارد، مثل چکها که می تواند بگوید بعد از فلان تاریخ، آوردن چک فائده ندارد و مابازائی داده نمی شود. پس این خصوصیت (امکان توقیت برای تحویل دادن) در سند هم معنی دارد، بنابر این این خصوصیت لازمه اعم مال مستقل بودن است و نمی تواند کاشف از آن قرار بگیرد و سند بودن را نفی کند .

بلی اگر از قبل قراری بین مدیون و دائن نباشد، بعد از این که مدیون به دائن سند را داد، این که ابتداءً دائن بگوید سند قبلی فائده ندارد و الغاء شده است، معلوم است که چنین حقی ندارد. اما اگر از قبل بین الطرفین قرار محقق شود یا این که از باب شرط ارتکازی و تعارف باشد مشکلی نخواهد بود. پس امکان توقیت در مورد سند هم معنی دارد منتهی در فرض اشتراط (لفظی یا ارتکازی)، لذا از خصوصیت مشترک بین مال مستقل و سند، نمی توان کشف مال مستقل بودن کرد.

جواب اشکال

شرط ارتکازی در این جا نمی تواند مشکل را حل کند؛ چون اگر اسکناس سند دین بود، با شرط لفظی یا ارتکازی مدیون می تواند برای مطالبه دائن خصوصیت معین کند و شرط بگذارد و تاریخ خاصی را معین کند . نسبت به حق مطالبه مدیون، حق چنین توقیتی وجود دارد، اما نهایتاً این توقیت ها حق مطالبه دائن را از بین می برد و همین طور وجوب اداء را از بین می برد چون تابع حق مطالبه است، اما این توقیت ها نسبت به برائت و فراغ ذمه اثری ندارد. و حال اینکه در این موارد اگر صاحبان اسکناس قبلی در مدت تعیین شده اقدام به تعویض اسکناس نکنند ، علاوه بر این که حق مطالبه ای در کار نیست جهت مصدره مدیون هم حساب نمی شود، نه این که مدیون باشد و فقط حق مطالبه در کار نباشد.

تا اینجا با وجوه مذکوره (یک دلیل اصلی و سه وجه دیگر) اثبات شد که اسکناس ها مال مستقل اند. اما دعوای با مرحوم حلی که قائل به مالیت اعتباری شد، حکم این دعوی هم معلوم شد، و اشکال به مرحوم حلی این بود که هر چند اعتبار در تحقق مالیت اسکناس ها نقش دارد و بدون اعتبار، مورد رغبت قرار نمی گیرند، اما این اعتبار، در حد حیثیت تعلیلیه است نه این که مالیت هم به وجود اعتباری تحقق پیدا کرده

باشد. اسکناس، مال مستقل است و مالیت آن هم مالیت حقیقیه است؛ چون آن چه از مالیت انتظار داریم این است که حیثیتی در شیء باشد که خارجاً عقلاء رغبت به تحصیل و تنافس در آن داشته باشند و این حیثیت در اسکناس ها محقق است. چنین نیست که این رغبت و تنافس وجود اعتباری داشته باشد، بلکه رغبت و تنافس، حقیقی است و اعتبار علت و منشاء این رغبت است.

وجوه اثبات سند بودن اوراق نقدیه

در کلام مرحوم سید اصفهانی اوراق نقدیه به عنوان سند دین دانسته شد و گفته شد هیچ تفاوتی بین سند و چک نیست و هردو سند طلا و نقره مسکوک اند. البته بقیه کسانی که معتقد به سند بودن اوراق نقدیه اند، ممکن است آن را سند برای طلای خالصی بدانند که به معنوی معادل تعیین شده است.

وجوه اثبات سند بودن اوراق نقدیه، در برخی کلمات از جمله در کلام بعضی از مؤلفین عامه مطرح شده است:

وجه اول

در چاپ و نشر اسکناس که از طریق حکومت و جهت مصدوره انجام می شود به حسب قانون عقلانی به این نحو عمل می شود که اسکناس های چاپ شده به عنوان مقدار خاصی از ذهب و فضه در دست افراد قرار می گیرد، و به عبارت دیگر در چاپ اوراق نقدیه «لابد من تغطيتها بالذهب و الفضه» اسکناس به این عنوان که برگه کاغذ است ارزشی ندارد بلکه به این حیث که حاکی از پشتوانه است در اختیار مردم قرار می گیرد. این امر نشان می دهد که اسکناس حیثیت سندیت دارد. شاهد این مطلب این است که حتی در قانون کشور ایران در قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ ابتدا مقرر کرده که واحد پول ایران ریال است. آنگاه دربند ب ماده ۱، ریال به این صورت تعریف کرده است «یک ریال برابر یک صد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده ملیونیوم (۰/۰۱۰۸۰۵۵) گرم طلای خالص (یعنی حدوداً یک در صد گرم طلای خالص) است». و دربند الف ماده ۲ آمده «پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه های فلزی قابل انتشار است».

وقتی از جهت قانونی نسبت ریال به طلا معین شده، این بدان معنی است که قرینه منفصله ای که در وجه اول اثبات مال مستقل بودن ذکر شد، وجود دارد، یعنی ولو روی خود اسکناس نوشته نشده اما قرینه منفصله می گوید که یک ریال معادل چه مقدار از طلاست. پس چنین نیست که اسکناس های چاپ شده، مطلق

باشد نسبت به ذخیره، بلکه از این جهت که مرآت و کاشف از طلاست در اختیار افراد قرار داده می شود؛ چون قانونا اعتبار آنها به این نحو است.

مناقشه وجه اول

هرچند با توجه به مراحل که در مورد پول بیان شد، در ابتداء امر چنین بوده بلکه حتی گاهی روی خود پول می نوشتند که معادل چه مقدار طلاست، و هرچند قانون سابق تغییر نکرده باشد، اما آن چه عملا اتفاق می افتد و حکومت ها و دیگران عمل می کنند، این است که با این پول ها با عنوان سند برخورد نمی کنند و اعتناء به این جهت نمی شود که در قانون چه چیزی نوشته شده. چنین قانونی، صرفا مبین این است که در زمان سابق، چاپ و نشر اسکناس ها بر اساس پشتوانه خاصی از طلا بوده، اما به تعبیر مرحوم آقای صدر، الان پول از مرحله وثیقه بودن به مرحله اعفاء رسیده که دیگر پشتوانه لحاظ نمی شود، و مجرد نوشته شدن نسبت واحد پولی با طلا در قانون گذشته، وضعیت فعلی و عملی پول را تبیین نمی کند.